

مهدویت و موعودگرایی

جلسه نهم

موضوع: نحوه ارائه حکومت جهانی مهدوی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

ما گفتیم که قرآن با یک صفت و یک تشبیه حکومت مهدوی را توصیف می کند و آن اصطلاح «آب» است.

ما به چهار صفت اشاره کردیم که المهدی سمح بالمال شدید علی العمال ، رحیم بالمساکین و صفت چهارم: یستشیر المهدی اصحابه و صفت پنجم یقضی بقضاء داود... حضرت مطابق نظام قضایی جناب داود و سلیمان قضاوت می کند؛ حضرت مطابق داوری داود و سلیمان داوری می کند و بلافاصله بیان می کنند این طور نیست که دنبال شواهد و بینه بگردند در واقع حضرت با علم افاضی داوری می کنند. و لذا در حکومت حضرت مهدی در قضاوت ها ما مشکل باطل شدن حق و حق شدن باطل را نداریم.

مشکل اطاله دادرسی را نداریم مشکل کثرت زندانی و زیاد ماندن انسان هایی در زندان بدون این که وضعیت آن ها معلوم شود، نداریم یعنی یک زندان زدایی به تمام معنای کلمه است ما در اسلام گزینه ای به این شکل زندان گسترده نداریم. در واقع زندان در اسلام آخرین گزینه است نه این که اولین گزینه باشد یا جزء گزینه های برتر باشد؛ اگر جایی هم ناچار شدند سراغ این گزینه بروند نباید این طور باشد که افراد ماه ها و سالها در بند باشند بدون این که وضعیت آن ها معلوم باشد ما در روایات داریم متهم به قتل را هم اگر گرفتید شما باید صرفا شش روز او را حبس کنید.

ممکن استثنائاً مواردی باشد که نیاز به جستجوی بیشتر باشد که باز هم باید زندانی را آزاد کرد تا تکلیف آن روشن شود. البته سوالی هست و آن این که برنامه را محققان و فرهیختگانی می بینند این را چه خوب است که تحقیق و بررسی کنند که آیا صرفا قضاوت شخص امام علیه السلام براساس قضاوت داود و سلیمان است یا کل نظام قضایی حضرت بر این مبنا است؟ اگر ما جمود کنیم صرفا بر روایتی که داریم باید گفت این روایت تمام زمینه های آن منعکس از این است که قضاوت حضرت را صرفا بیان می کند .

اما ممکن است سایر کارگزاران مثل زمان پیامبر و امام علی علیه السلام قضاوت کنند یعنی نه بر اساس علم لدنی بلکه براساس بینه و شهود

اما این امر مسلم است که در حکومت مهدوی تخلفات خیلی کم می شود.

این نکته قبلا گفته شده که حضرت اخلاق و دانش مردم را بالا می برد و یک شششوی جدی نسبت به روح و روان انسان ها صورت می گیرد فقری و بیکاری وجود ندارد.

این گونه نیست که انواع و اشکال مختلف بداخلاقها و تخلفات باشد

سوال این است که آیا کثرت گرایی صورت می گیرد که هر ملیتی با قانون خود رفتار می کند یا این که نه حضرت یک قانون می آورند و آن باید ملاک و مبنا و معیار قرار گیرد؟

کثرت گرایی قضایی اولاً متفرع بر این است که ما در حکومت مهدوی علیه السلام اوضاع را چگونه می بینیم؟ آیا همه خودبه دین گرایش پیدا می کنند یا نه؟

این که هستند انسان هایی که بر آیین و قوانین خود پافشاری می کنند؟

از برخی گزینه ها و نصوص ، گزینه اول استنباط می شود.

همه مسلمانی و همه اسلام

و از برخی گزینه ها و روایات و ادله دومی استنباط میشود.

ما در یک جمع بندی به این نتیجه می رسیم با این که حاکمیت و صدا، صدا و حاکمیت اسلام است اما این گونه نیست که انسان ها با ایده ها و اخلاق ها و ادیان و تفکرات دیگر نباشند و لذا آن روایت که می گوید که در سرتاسر جهان صدای اذان شنیده می شود ، درست است. اما آن روایات هم که می گوید اهل انجیل و تورات هم هستند ، و بر دین خود هستند ، این هم درست است و منافاتی این ها با هم ندارند اما در مجموع حاکمیت با اسلام و روح اسلام است.

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده که امام زمان علیه السلام با اهل هر مسلکی با کتاب همان دین حکم خواهند راند. لِحَكْمَتِ بَيْنِ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ وَ بَيْنِ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ وَ بَيْنِ أَهْلِ الزَّبُورِ بِزُبُورِهِمْ وَ بَيْنِ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِفُرْقَانِهِمْ بِقَضَاءِ يَزْهَرُ يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ، وَ اللَّهُ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ فِي لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ وَ لَا سَهْلٍ وَ لَا جَبَلٍ - وَ لَا بَرٍّ وَ لَا بَحْرٍ - إِلَّا وَ قَدْ عَرَفْتُ أَيَّ سَاعَةٍ نَزَلَتْ وَ فِيمَنْ نَزَلَتْ، وَ مَا مِنْ قُرَيْشٍ رَجُلٌ جَرَى عَلَيْهِ الْمَوَاسِي - إِلَّا قَدْ نَزَلَتْ فِيهِ آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ تَسْوِقُهُ إِلَى جَنَّةٍ - أَوْ تَقُوْدُهُ إِلَى نَارٍ. فَقَالَ قَائِلٌ: فَمَا نَزَلَ فِيكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: أَمْ مَنْ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ فَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ - وَ أَنَا الشَّاهِدُ مِنْهُ أَتْلُو آثاره می توانم در بین اهل تورات طبق قانون تورات و در میان پیروان انجیل به کتاب انجیل و در بین طرفداران زبور به کتاب زبور و در بین پیروان فرقان به قرآن قضاوت و حکم کنم. به خدا سوگند، هر آیه ای که در شب یا روز در بیابان یا کوه، در خشکی یا دریا نازل شده است، به اندازه ای در باره آن آیات مرا علم و عرفان است که می دانم در چه روز و ساعت و در شأن چه کسی نازل شده است. هیچ مرد قریشی نیست مگر این که در کتاب خدا جایگاه او را که در نار یا نور است مشخص کرده است. در این میان مردی برخاست و پرسید: یا امیر المؤمنین! چه آیه ای در شأن تو نازل شده است؟ علی علیه السلام فرمود: آیه: أَمْ مَنْ كَانَ عَلَى بَيْتَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ رَا حتماً قرائت کردی؛ بدان محمد صلی الله علیه و آله بینه خدای سبحان است. و من شاهد از طرف او و پیروی کننده حکمت و آثار او هستم.

پس طبق این روایت یک نوع کثرت گرایی قضایی رخ خواهد داد و در واقع حضرت در حکومتش این سعه صدر را دارد.

حضرت اخلاق انسان ها را بالا می برد حضرت علم انسان ها را بالا می برد در یک روایتی هست که پیامبر می فرمایند : إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ أَلْفَى اللَّهُ أَلْعَنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ حَتَّى يَقُولَ الْمَهْدِيُّ: مَنْ يُرِيدُ الْمَالَ؟ فَلَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا وَاحِدٌ يَقُولُ: أَنَا، فَيَقُولُ: أُحْسَتْ، فَيَحْتَوُّ، فَيَحْمِلُ عَلَى ظَهْرِهِ حَتَّى إِذَا أَتَى أَقْصَى النَّاسِ قَالَ: أَلَا أَرَأَيْي شَرٌّ مِنْ هَاهُنَا؟! فَيَرْجِعُ فَيَرُدُّهُ إِلَيْهِ، فَيَقُولُ: خُذْ مَالَكَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ .

جالب این است که حضرت نمی گویند که جامعه را غنی می کند یا جیب ها را پر میکند (البته گر چه ممکن است رخ دهد) ؛ او بی نیازی را در قلوب القا می کند و انسان به آن چه دارد قانع است....

و اصلاً بحث عباد است..... تصور کنید اگر این پدیده در دنیا رخ دهد حکومت چه خواهد شد به چه شکلی خواهد بود. جامعه به چه گونه ای خواهد بود....

در حدیثی از امام علی علیه السلام هست که :

لَوْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ

زمانی که قائم ما ظهور کند کینه ها از سینه بندگان بیرون می رود.

کینه ها شسته می شود و کینه ها از سینه عباد و بندگان بیرون می رود و کل جامعه انسانی قلبش پاکیزه می شود.

و اما علم و دانش ؛ که امام صادق علیه السلام راجع به میزان دانش در زمان غیبت می فرماید:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَ أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ، وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةً وَ عِشْرِينَ حَرْفًا

علم، بیست و هفت حرف است. همه آنچه تا به امروز رسولان الهی آورده اند، تنها دو حرف است و مردم بیش از این دو حرف نمی دانند. هر گاه قائم - عج الله تعالی فرجه الشریف - قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را به اضافه آن دو حرف ارائه و در میان مردم اشاعه و آموزش می دهد.

ببینید این حرف را امام صادق علیه السلام می زند که می داند علم به کجا می رود.

امام صادق علیه السلام در مناظره با ابن ابی العوجا که یک ماتریالیست است به او اشاره به یک سنگی می کنند و به او می

گویند که تو در این سنگ چه می بینی؟

او هم گفت من این را فقط یک سنگ می بینم...

حضرت به او فرمودند که آیا می دانی که داخل این سنگ موجودات ریزی هستند که در حال گردشند؟ که این ها را به گردش در آورده است؟

ببینید امام صادق ما این گونه است در واقع هم علم زمان خود را می بیند هم علم آینده را ...

یا در روایتی هست که زمانی که قائم بخواهد بیاید طرف در مشرق هست اما دوستش را که در مغرب هست، می بیند.

یا برعکس

این مطلب را اگر پنجاه سال پیش می گفتند ما به این حرف می خندیدیم اما امام صادق علیه السلام این حرف را در هزار و سیصد سال پیش بیان فرمودند.

یک چنین انسانی می فرماید تا قبل زمان مهدی کل دانش دو مرحله و دو حرف را طی کرده است ؛ اما زمان امام مهدی تمام بقیه دانش کشف خواهد شد.

البته ممکن است این دانش ها تجربی یا ریاضی یا علوم انسانی یا همه این ها و یا حتی یک فهم یا یک شعور باشد من منحصر نمی کنم به یک قالب خاص.

عصری که هم عصر دانش است هم عصر حکومت بر دلهاست هم عصر مشورت است عصر عدالت است و عصر زدوده شدن کینه ها است؛ لذا انتظار معنای دیگری پیدا می کند.

و صفت دیگری که برای امام ذکر می شود این که حضرت مثل کارگزارانش هست و بین مردم است .

يَمْشِي حَيْثُ يَمْشُونَ، وَ يَلْبَسُ كَمَا يَلْبَسُونَ، وَ يَرْكَبُ كَمَا يَرْكَبُونَ، وَ يَكُونُ مِنْ حَيْثُ يَرِيدُونَ وَ يَرْضَى بِالْقَلِيلِ، وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ بِعَوْنِ اللَّهِ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا يَعْبُدُ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ، وَ لَا يَأْخُذُ حَاجِبًا وَ لَا بَوَّابًا...

بین مردم راه می رود هر جا که آن ها می روند و می پوشد به همان شکلی که آن ها می پوشند و راضی به کم است و پر می کند زمین را بعون الله از عدل همانطور که پر شده است از ظلم و عبادت می کند خدا را به حقیقت عبادت و حاجبی نمی گیرد و درباری هم نمی گیرد.

البته راجع به مسئولین و کارگزاران این نکته هست که برخی بین مردم اند اما جدا از مردم اند و برخی جدا از مردم اند اما بین مردم اند. مهم روح رفتاری است که یک مسئول می تواند داشته باشد.

این هنر مسئول است که بتواند این گونه باشد.

فایل pdf [کلیک کنید](#)